

بسم الله الرحمن الرحيم

مقایسه ی تطبیقی ایمان در اسلام و مسیحیت

مهدیه کرباسیان^۱

چکیده

دغدغه ی مقدس و دیرپای انسان نیل به جاودانگی و سعادت است و راه انحصاری این مقصود از طریق ایمان است. انسان نمی تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمر بخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. انسان فاقد هرگونه ایده و ایمان، یا به صورت موجودی غرق در خود خواهی در می آید که فقط به فکر منافع فردی خویش است و یا به صورت موجودی مردد و سرگردان که تکلیف خویش را نمی داند. انسان برخوردار از ایمان زنده و پویاست. ایمان است که تلخی کاستی ها و کمبودها را به حلاوت معنا مبدل می سازد. مساله ی ایمان منحصر در عالم اسلام نیست؛ ادیان توحیدی (اسلام، مسیحیت و یهود) همگی بر این امر حیاتی اصرار و پافشاری دارند که تنها مومنان اهل فلاح و نجات و رستگاری اند. هدف مورد نظر این مقاله این است که به صورت تطبیقی به مساله ی ایمان از دیدگاه اسلام و مسیحیت به بررسی و شرح بپردازد و با توجه به اینکه در همه ی ادیان توحیدی ایمان وجود دارد ولی در این مقاله ایمان در اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار می گیرد و در آخر نیز آثار و فواید ایمان را مطرح می کند. لازم به ذکر است مقاله ی حاضر بر اساس مجموع کتب و مقالاتی که در باب اسلام و مسیحیت است و به روش کتابخانه ای مطالب جمع آوری شده است.

واژه های کلیدی

ایمان، اسلام، مسیحیت

^۱ . طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه حضرت خدیجه کبری (س)، زمستان ۹۸

مقدمه

ایمان هسته‌ی مرکزی یک دین و محوری است که همه‌ی آموزه‌های آن دین حول آن جمع می‌شود. این در حالی است که ایدئولوژی نقطه ایمان می‌تواند قلمداد شود. نگاه ایدئولوژیک، فارغ از ایمان، آموزه‌ها را به همه‌ی ساحت‌های زمینی زندگی انسانی پیوند می‌زند و می‌خواهد هر چیزی را به نحوی به دین مربوط کند. به خاطر همین جنبش‌های ایدئولوژیک دینی، ممکن است برای دستیابی به اهداف خود، دست به کارهایی بزنند که با روح ایمان چندان سازگار نباشد.^۱

اسلام، دینی یکتاپرستانه و ابراهیمی است. به پیروان اسلام (مسلمان) می‌گویند. هم‌اکنون اسلام از دید شمار رسمی پیروان در جایگاه دوم جهانی جای دارد. مسلمانان بر این باورند که خداوند، قرآن را به محمد از طریق فرشته‌ای به نام جبرئیل فرو فرستاده است. به باور مسلمانان خدا بر بسیاری از پیامبران، وحی فرستاده و محمد آخرین آنان است. مسلمانان محمد را اعاده‌کننده ایمان توحیدی خالص ابراهیم، موسی و عیسی و دیگر پیامبران می‌دانند و معتقدند که اسلام کامل‌ترین و آخرین آیین الهی است.^۲

اما مسیحیت یک آیین یکتاپرستی است که بر اساس زندگی و آموزه‌های عیسی استوار است. این دین با جمعیت تقریبی دو و نیم میلیارد نفر، بیشترین پیروان را در سر تا سر جهان دارا است. پیروان این دین بر این باورند که مسیح بر صلیب کشیده شده است.^۳

در این مقاله قصد داریم که مقایسه‌ی تطبیقی در اسلام و مسیحیت را انجام دهیم چرا که اسلام و مسیحیت بیشترین پیروان را در جهان اسلام دارا هستند و در هر دو نیز ایمان پایه و اساس است و با توجه به اهمیت موضوع، ایمان در اسلام و مسیحیت، این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

این موضوع در کتب و مقالاتی مورد بررسی قرار گرفته است از مهمترین آن می‌توان به مقاله‌ی ایمان، مقایسه‌ی تطبیقی بین اسلام و مسیحیت از مصطفی‌آزادیان و کتب ایمان دینی در اسلام و مسیحیت از محمد تقی‌فعالی و همچنین ایمان در عرصه‌ی کلام و قرآن از محسن‌جوادی.

^۱. همان

^۲. همان

^۳ همان

اما مهمترین نکته در مورد این مقاله این است که اختصاصاً به مقایسه ی ایمان در اسلام و مسیحیت می پردازد و در آخر مقاله به آثار ایمان در اسلام را که بهترین و کاملترین دین است مورد بررسی قرار می دهد.

سر فصل های این مقاله عبارتند از ایمان مسیحی، ماهیت ایمان در مسیحیت، ایمان از نظر دانشمندان مسلمان و آثار ایمان در اسلام.

شرح واژگان

واژه ایمان ضد کفر، مصدر باب افعال از ریشه (ا م ن) در لغت، به معنای تصدیق کردن، اذعان نمودن، گرویدن، ایمن گردانیدن، امان دادن و اقرار کردن است. واژه (امن) نیز در زبان عربی به معنای امنیت داشتن، اعتماد ورزیدن و روی کردن است که کلمات امانت و امان نیز از آن برگرفته شده اند. فعل (امن) هم به معنای باور کردن و اعتقاد خود را ظاهر ساختن است و هم با حرف اضافه (باء) به معنای حمایت کردن و امان دادن و امنیت بخشیدن به کار رفته است. واژه ایمان در قرآن، گاه به معنای فعل ایمان و گاه به معنای محتوای آن به کار رفته و گاهی نیز هر دو معنا یکجا از آن مستفاد می شود.^۱

تفتازانی می گوید: ماده امن به دو دلیل به باب افعال برده می شود: یکی افاده معنای تعدیه، و دومی رساندن معنای صیروت، اولی در آنجا که ایمان مقرون به (باء) باشد که در این صورت، به معنای اقرار و اعتراف است، مانند: ((أمن الرسول بما أنزل إليه))،^۲ اما اگر مقرون به (لام) باشد، که در این صورت، به معنای اقرار و اعتراف است، مانند ((و ما انت بمومن لنا و لو كنا صادقین))،^۳ ولی دومی یعنی معنای صیروت در آنجاست که ایمان متعدی بنفسه باشد که در این صورت، به معنای ایمن گردیدن است، زیرا مومن به سبب تصدیق و اعتقاد به خداوند از اکتساب کذب ایمن می گردد.^۴

شهید مرتضی مطهری در یکی از آثار خود می گوید: ایمان از ماده امن مشتق شده است و هم به صورت متعدی بنفسه به کار می رود مانند آمنته که به معنای جعلت له الامن است و گاهی هم متعدی بغیر است که یا با حرف باء یا با حرف لام متعدی می شود، بعد اشاره می کند که یکی از معانی باب افعال صیروت است لذا آمن به یعنی صار ذا امن به، یعنی به واسطه آن ایمنی یافت. ایشان از این معنای لغوی استفاده می کند و می گوید: از اینجا وجه مناسبت استعمال کلمه ی ایمان در مورد عقیده و ایمان مصطلح روشن می گردد، چون انسان به وسیله اعتقاد به خدا یا پیامبر یا معاد مثلاً صاحب امن یعنی طمانینه می شود. نکته

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ص

۲. بقره، ۲۸۵

۳. یوسف، ۱۷

۴. سعد الدین تفتازانی، شرح المقاصد، ص ۱۷۵-۱۷۷

دیگری که معلوم می شود این است که در مورد هر علم و عقیده یقینی، استعمال کلمه ایمان صحیح نیست، یعنی صحیح نیست گفته شود فلانی به خواص آهن ربا یا ... ایمان دارد بلکه استعمال آن در موردی صحیح است که تولید امنیت و طمانینه نماید و نگرانی و اضطراب و هراسی را سلب نماید، یعنی باید مطلب مورد نظر از اموری باشد که با سرنوشت و هدف زندگی سر و کار داشته باشد. از اینجا معلوم می شود که ایمان خشک و خالی نیست، بلکه اعتقادی است مقرون به نوعی شور و هیجان و احساسات.^۱

ایمان یا باور از معنای لغوی تصدیق و اعتقاد قلبی به کسی یا چیزی است و از معنای اصطلاحی آن، اعتقاد و تصدیق قلبی به خدا، روز قیامت، کتب آسمانی، ملائکه، پیامبران و ائمه و به تعبیری امور غیب است ایمان در تعریف برون دینی، باوری استوار و مستقل از خرد یا تجربه و به نوعی ایده است. معمولاً این ایده نوعی دین و مجموعه ای از ایده های کلی و جزئی است.^۲

مقایسه ی تطبیقی ایمان در اسلام و مسیحیت

ایمان مسیحی

ایمان در کتاب مقدس، سرآمد همه ی فضایل و خوبی ها به شمار می آید. همه ی ما تنها به وسیله ی ایمان نجات می یابیم: (... به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت) (و به وسیله ی ایمان در روح قوی می گردیم و به وسیله ی ایمان تقدیس می شویم) (... بلکه محض ایمان دل های ایشان را طاهر نمود) (ایمان ما را محفوظ و پایدار می دارد) (زیرا به ایمان قائم هستید) و حتی در کتاب مقدس بی ایمانی گناهی بس بزرگ و نابخشودنی می باشد.^۳

ماهیت ایمان در مسیحیت

دیدگاه های متکلمان مسیحی در باب ماهیت ایمان در دو دسته طبقه بندی می شوند که با ذکر اهم آراء، آنها را بیان خواهیم کرد.

۱. نظریه ی گزاره ای ایمان

دیدگاه توماس آکویناس

۱. گروه مولفان، ایمان در سپهر ادیان، ص ۷۶-۷۷

۲. سایت ویکی پدیا

۳. مصطفی آزادیان، مقاله ی ایمان، مقایسه ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت، ص ۱

توماس آکویناس در سال ۱۲۲۵ متولد شد و به سال ۱۲۷۴ میلادی در گذشت. با وجود مخالفت های شدید خانواده، وی به گروه دومینیکن پیوست و نزد آلبرت کبیر به تحصیل الهیات و فلسفه پرداخت و مدتی همراه وی در کلنی به تدریس اشتغال یافت و بقیه ی سالهای عمر وی در راه مطالعه و نویسندگی و تدریس در مراکز مختلف آموزشی اروپا صرف شد. زندگی وی صرف دفاع و ترویج عقلانی ایمان مسیحی گردید.^۱

عناصر عمده ی نظریه ی آکویناس عبارتند از:

عنصر اول: وحی فرآیندی است میان خدا و نبی که در آن مجموعه ای از گزاره ها به پیامبر نازل می گردد. اگر وحی را چنین تفسیر کردیم، طبعاً ایمان را هم باید متناسب با آن تبیین نمود. وحی فرآیندی است میان خدا و نبی چنان که ایمان وضع شخص است نسبت به نبی. پس اگر وحی چیزی جز مجموعه ای از گزاره ها نیست، ایمان هم غیر از شناخت این گزاره ها نخواهد بود.^۲

مطابق این تعریف، تلقی آکویناس از وحی، گزاره ای است، یعنی خداوند در فرآیند وحی، یک سلسله گزاره و قضایایی را به پیامبران نازل می نماید که اگر این عمل توسط خدا صورت نمی گرفت، عقل و توانایی آدمیان هیچ گاه به مضامین آن گزاره ها دست نمی یافتند. مطابق این تعریف از وحی، طبعاً ایمان هم متناسب با آن، شناخت آن مجموعه و تصدیق و باور قلبی آنها خواهد بود.^۳

عنصر دوم: ایمان نوعی آگاهی و علم است، لیکن علمی کمتر از معرفت و بالاتر از رای. به تعبیر دیگر آگاهی سه درجه ی معرفت، ایمان و رای دارد، با این تفاوت که معرفت، شناختی است که دلیل کافی به همراه آن باشد. مثلاً اگر معرفت داریم که مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است، بدین معناست که می توانیم براساس هندسه اقلیدسی و با شواهدی کافی آن را به اثبات رساند. اما در ایمان و رای شخص شواهد کافی در اختیار ندارد. مثلاً در مورد مساله ی بالا، اگر ما خود آن را با دلیل پذیرفتیم، علم حاصل معرفت است، ولی اگر آن را بدون محاسبه قبول کردیم، اگرچه در این مورد یک فقره شناخت حاصل است، از آن جا که شواهد کافی در اختیار نیست، معرفت نخواهد بود. رای همیشه با حالت شک و دودلی همراه است. هم چنین احتمال خلاف در آن می دهیم، ولی در ایمان احتمال خلاف نمی توان داد و چون ایمان همیشه استوار است، هیچ گاه در آن تردید راه ندارد. از این روی ایمان فوق رای و دون معرفت است.^۴

۱. محمد تقی فعالی، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت، ص ۸۳

۲. همان، ص ۸۴

۳. محسن جوادی، ایمان در عرصه کلام و قرآن، ص ۱۹

۴. محمد تقی فعالی، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت، ص ۸۵

نباشد ایمان نیست. تسلیم قلب مساوی است با تسلیم سراسر وجود انسان و نفی هر گونه جحود و عناد.^۱ بدین روی رسوخ و استقرار عقیده در قلب را ایمان می گویند، یعنی اعتقاد علمی باید با جان و قلب انسان معتقد و عالم عجین شود و در اوصاف نفسانی و اعمال بدنی او جلوه کند. بنابراین عقیده ای که تنها در ذهن بماند و در جان و قلب آدمی جای نگیرد، ایمان نیست، چنان که فرمود: ((و جحدوا بها و استیقننها انفسهم))^۲، همچنین به کسی که عقیده حق را تنها بر زبان می راند و در دل به آن باور ندارد، مومن نتوان گفت: من الذین قالوا آمنا بافواههم و لم تومن قلوبهم^۳، عقد علمی، که قضیه ذهنی و معقول است تا با جان عالم گره نخورد، ایمان نیست.^۴

بنابراین از منظر مرحوم طباطبائی، ایمان باوری است قلبی که منشا عمل و تسلیم می باشد، چنان که در ذیل آیه ی شریفه: ((و الذین هم بایاتنا یؤمنون))^۵، می نویسد: ایمان آوردن به آیات به معنای تسلیم در برابر هر آیه و نشانه ای است که از طرف خداوند رسیده باشد، چه اینکه آن نشانه معجزه باشد، مانند معجزات حضرت موسی و عیسی و رسول خدا و چه اینکه احکامی آسمانی باشد، مانند شرایع دین حضرت موسی و دستورات سایر انبیاء و چه خود انبیاء باشند، و یا نشانه ای از نشانه های نبوت پیغمبری باشد، مانند نشانه هایی که خداوند در تورات حضرت موسی و انجیل حضرت عیسی برای حضرت محمد(ص) ذکر کرده است. همه ی اینها آیات الهی هستند و بر همه واجب است در برابر آنها تسلیم شوند.^۶

آثار ایمان در اسلام

حال که به ماهیت اصلی ایمان پی بردیم جا دارد به آثار و فواید ایمان به صورت کوتاه و مختصر نیز اشاره کنیم و برای اینکه بهتر با آثار نیک این سرمایه ی پر ارزش زندگی و این ملک معنوی آشنا شویم مستقلاً این بحث را طرح و عنوان می نماییم.

ایمان مذهبی آثار نیک فراوان دارد، چه از نظر تولید بهجت و انبساط، چه از نظر نیکو ساختن روابط اجتماعی و چه از نظر کاهش و رفع ناراحتی های ضروری که لازمه ی ساختمان این جهان است.^۷

^۱ . شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۹۱

^۲ . نمل، ۱۴

^۳ . مائده، ۴۱

^۴ . عبد الله جوادی آملی، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج ۲، ص ۱۵۶

^۵ . اعراف، ۱۵۶

^۶ . سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۵

^۷ . شهید مرتضی مطهری، انسان و ایمان، ص ۴۰

ایمان افزون بر نجات انسان از آتش دوزخ، آثار و کارکردهایی نیز در حیات دنیوی دارد. از آیات قرآن استفاده می شود که هر کس به خدا و پیامبر ایمان آورد و مطابق آن عمل کند، زنده می شود، و هر کس این چنین نباشد قهراً مرده خواهد بود: ((یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم))^۱ در آیه ی دیگری منظور خود را از این زندگی بیان می کند: ((من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیاه طیبه))^۲ یعنی خداوند به انسانهای مومنی که کارهای نیک انجام می دهند حیات پاکیزه ای می بخشد.

علامه طباطبائی در معنای حیات طیبه می نویسد: معنای حیات طیبه این نیست که خداوند زندگی طبیعی و مادی او را خوب و پاکیزه می کند، زیرا زندگی طبیعی محکوم به زوال و دگرگونی است و این نمی تواند طیب باشد. بنابراین، خداوند مومنان را به زندگی جدیدی زنده می کند که آن غیر از زندگی است که به دیگران نیز داده است. خداوند در این آیه، نفرمود اگر کسی مومن بود و عمل خوب کرد ما زندگی موجود او را پاکیزه می کنیم، یعنی تنها صفت زندگی او را که مثلاً خبیث بود، به طیب تبدیل می کنیم، بلکه فرمود: ما او را به زندگی پاکیزه زنده می کنیم و از این تعبیر استفاده می شود که مقصود از حیات طیبه یک زندگی تازه ای است که در حریم آن آلودگی راه ندارد و آثار حقیقی بر آن مترتب می شود.^۳

علامه طباطبائی آن گاه به آثار حیات طیبه اشاره می کند و می نویسد: مومنان در حیات طیبه دارای علم و قدرتی هستند که می توانند حقیقت اشیاء را ببینند از این رو، اشیا در نگاه آنان، به دو گونه حق و باطل نمودار می شود. آنان از امور باطل که زندگی مادی دنیا و ظواهر فریبنده آن است دوری می کنند و به عزت خداوند اعتزاز می جویند. وقتی عزت مومنان از خدا شد دیگر وسوسه های شیطان و هوا و هوس های نفس اماره و فریبندگی های دنیا نمی تواند آن ها را ذلیل سازند، زیرا دریافته اند که دنیا و نعمت هایش فناپذیرند.^۴

وقتی انسان به چنین جایگاهی برسد که جز تقرب به درگاه او را دوست نمی دارد، در نفس خود نور و کمال و قوت و لذت و سروری می یابد که نمی توان اندازه اش گرفت و توصیفش کرد.^۵

علامه طباطبائی در جایی دیگر به کرامت هایی که خداوند به مومنان در دنیا عنایت فرموده است اشاره می کند و می نویسد: خداوند این افراد را به حیاتی طیبه زنده می کند و به روح ایمان تایید می نماید^۱، از تاریکی

^۱ انفال، ۲۴.

^۲ نحل، ۹۷.

^۳ سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۴۲.

^۴ همان، ج ۱۲، ص ۳۴۲-۳۴۳.

^۵ همان، ج ۱۲، ص ۳۴۲-۳۴۳.

تاریکی ها بیرون و به سوی نور حرکتشان می دهد^۲، بر ایشان نوری ایجاد می کند که با آن نور مسیر زندگی را طی می کنند^۳، خداوند ولی و سرپرست ایشان است^۴، آنها نه ترسی دارند و نه دچار اندوه می گردند^۵، خداوند همواره با آنهاست^۶، اگر او را بخوانند دعایشان را مستجاب می کند^۷، و چون به یاد او بیفتد او نیز به یادشان خواهد بود^۸، و فرشتگان همواره به بشارت و سلام بر آنان نازل می شوند^۹.

اما در قرآن درباره ی کسانی که مومن نیستند، می فرماید: خداوند آنها را گمراه می کند، از نور به سوی ظلمت بیرون می برد، بر دل هایشان مهر می افکند، بر گوش ها و چشم هایشان پرده می افکند، رویشان را به عقب بر می گرداند، شیطان ها را قرین و دمساز آنان می کند تا گمراهشان کند، به طوری که از گمراهیشان خرسند باشند و بیندارد که راه همان است که ایشان دارند، شیاطین کارهای زشتشان را در نظرشان زینت می بخشند، شیاطین سرپرست آنها هستند و خداوند به طریقی که خودشان نیز نفهمند استدراج می کند و آنها را به لذایذ و زینت های ظاهری دنیا سرگرم می کند تا از اصلاح خود غافل بمانند و به ادامه ظغیان وادارشان می کند تا به کلی سرگردان شوند.^{۱۰}

نتیجه

نظریه ی مورد پذیرش عالمان اسلامی و الهیات مسیحی در مورد ایمان آن است که هر دو به خدا و نبوت و معاد معتقدند، با این وجود، در برنامه شریعت آنها تفاوت های زیادی وجود داشته و تعاریف و مصادیقی که برای ایمان می آورند، نیز با هم اختلاف دارند. هم چنان که این تفاوت ها در بین فرقه های اسلامی نیز وجود دارد. ولی با توجه به دلایل گفته شده، نظریه ی جمع گرایانه که همان دیدگاه متفکران شیعه است بهترین تعریف در مورد ایمان است و آنها معتقدند که ایمان، اعتقاد قلبی، اقرار زبانی و عمل با جوارح است و با توجه به آیات قرآن که بهترین و مستدل ترین است

۱. مجادله، ۲۲.

۲. مجادله، ۲۲.

۳. انعام، ۱۲۲.

۴. بقره، ۲۵۷.

۵. مائده، ۶۹.

۶. توبه، ۴۰.

۷. غافر، ۶۰.

۸. بقره، ۱۵۲.

۹. هود، ۶۹.

۱۰. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۱.

مومنان در دنیا غرق در شادی، شکیبایی، آرامش، هدایت، رضایت و عبادت است اما کافر با گمراهی، جهالت، سرگردانی، غم و اندوه و احساس پوچی و بی معنایی همراه است.^۱

بدون ایمان قلبی، اسلام نفع اخروی ندارد تنها زبان است که شهادتین می گوید و بدن عبادات را انجام می دهد قرآن مجید می فرماید: ای مسلمانان بیایید ایمان بیاورید به این عقاید مومن باشید، کسانی که اسلام آودید، ایمان بیاوید.^۲

^۱ . همان، ج ۲، ص ۹۱

^۲ . حضرا آیت الله شهید دستغیب، متن کامل ایمان، ص ۱۸۸

فهرست منابع

- (۱) قرآن
- (۲) آملی، عبد الله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم، اسراء، ۱۳۷۸
- (۳) پلانتینجا، الوین، عقل و ایمان، مترجم: بهناز صفری، انتشارات اشراق، چاپ اول بهار ۱۳۸۱
- (۴) تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، قم، انتشارات شریف رضی، ج ۱۵، بی تا
- (۵) جوادی، محسن، ایمان در عرصه ی کلام و قرآن، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۶
- (۶) دستغیب، شهید سید عبد الحسین، متن کامل ایمان، تنظیم و تصحیح و مقدمه از استاد سید محمد هاشم دستغیب، بی جا، بی تا
- (۷) شبستری، محمد مجتهد، ایمان و آزادی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم ۱۳۷۹
- (۸) طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، ۱۴۱۲ ه.ق
- (۹) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، مقدمه و تعلیق محمد حسن بکائی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ه.ق
- (۱۰) فعالی، محمد تقی، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت، کانون اندیشه ی جوان، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸
- (۱۱) گروه مولفان، ایمان در سپهر ادیا، قم، صهبای یقین، ۱۳۸۴
- (۱۲) مشایخی، رضا، اندیشه ی ما، انتشارات ققنوس، ۱۳۳۲
- (۱۳) مطهری، شهید مرتضی، انسان و ایمان، انتشارات صدرا، چاپ ۳۵، شهریور ۱۳۸۸
- (۱۴) _____، مجموعه آثار، چاپ دوم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰
- (۱۵) سایت ویکی پدیا
- (۱۶) آزادیان، مصطفی، مقاله ی ((ایمان؛ مقایسه ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت))، معرفت ۱۳۸۴، شماره